۹ بهمن سالروز شهادت حسن باقری، فرمانده‌ای که رهبر انقلاب ظهور و بروزش را معجزه انقلاب می‌دانست

نابغه‌ای که معادلات جبهه را به سود ایران تغییر داد

■ احمد محمد تبریزی

دفاع‌مقدس محل کشف استعدادهای بی‌شماری بود. نیروهایی که در نهایت سادگی و برای دفاع از کشور پا به جبهه گذاشتند و به مرور تبدیل به فرماندهانی ماهر شدند. جنگ همچون یک دانشگاه از این رزمندگان ساده فرماندهانی بزرگ ساخت. ترکیب همین فرماندهان در طول هشت سال دفاع‌مقدس اجازه نداد تا ارتش بعث با پشتیبانی کامل شرق و غرب راهی از پیش ببرد و چاره‌ای جز تسلیم نداشته باشد. شهیدحسن باقری یکی از همین کشف استعدادهای بزرگ جنگ بود که در حضور ۲۸ ماهه‌اش در جبهه‌ها، در عملیات‌ها بسیار تأثیرگذار ظاهر شد. رهبر معظم انقلاب در توصیف ظهور و بروز شخصیتی چون شهیدحسن باقری چنین می‌فرمایند: «دفاع‌مقدس وسیله‌ای شد برای اینکه استعدادهای مکنون در انسان‌ها، به شکل عجیبی بروز کند. مثلاً شهیدحسن باقری بلاشک یک طراح جنگی است. کی؟ در سال ۶۱؛ کی وارد جنگ شده است؟ در سال ۵۹؛ این مسیر حرکت از یک سرباز صفر به یک استراتژیست نظامی، یک حرکت ۲۰ ساله، ۲۵ ساله است؛ این جوان در ظرف دو سال این حرکت را کرده است! اینها معجزه انقلاب است.»

■ مستعد و شجاع

شهیدحسن باقری همانند دیگر رزمندگان در اوج جوانی به جبهه اعزام شد. قبل از حضور در جنگ، رتبه ۱۰۴ رشته حقوق را آورده بود و تجربه خبرنگاری در روزنامه جمهوری اسلامی را نیز داشت. مادرش علاقه زیادی داشت که غلامحسین معلم یا دبیر شود، اما وقتی دید او در روزنامه مشغول کار شده خواسته قلبی‌اش را بر زبان آورد و از آرزویش برای پسرش گفت. غلامحسین در جواب مادر چنین گفت: «اگر معلم شوم ۲۰۰ نفر را ارشاد می‌کنم، ولی اگر بتوانم یک مقاله خوب بنویسم، می‌توانم ۲۰۰ هزار نفر را ارشاد کنم.»

کمی بعد شهیدباقری اوایل سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه درآمد و در واحد اطلاعات مشغول به خدمت شد و نام مستعار «حسن باقری» برایش در نظر گرفته شد. وظیفه او در ابتدا شناسایی گروهک‌ها بود و هر چه گذشت توانایی‌های این رزمنده جوان برای فرماندهان بیشتر عیان شد. شروع جنگ تحمیلی بخش وسیعی از توانایی‌های حسن باقری را نشان داد. چندان که خود نیز در این خصوص چنین نگاشته است: «این جنگ فرصت‌های طلایی بسیاری را برای رشد استعدادها به ما داده است. نیروهای ما با توجه به بعد انقلابی‌ای که دارند و چشم‌وگوش بسته تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند، می‌توانند از قالب‌های پیش‌ساخته خارج شوند و با فکر سازنده خویش، روش‌هایی را ابداع کنند که دشمن نخواهد توانست به‌سادگی به دفاع در مقابل آنها برخیزد.»

در جریان محاصره سوسنگرد آیت‌الله خامنه‌ای، نماینده امام در شورای عالی دفاع بودند و در جلسه‌ای به همراه نیروهای نظامی به دنبال راهکارهای مناسب جهت شکستن حصر می‌گشتند. بنی‌صدر به‌عنوان فرمانده کل‌قوا نیز در این جلسه حضور داشت. پس از صحبت‌های ارتشی‌ها در جلسه نوبت به ارائه راهکارهای پاسداران می‌رسد. خاطره آن روز را یحیی رحیم صفوی به نقل از مقام‌معظم رهبری اینطور روایت می‌کند: «تا شما اشاره کردی که حسن پاشو برو، من دیدم یک جوان لاغر اندام بلند شد، بدون اینکه سر و ریشی و محاسنی داشته باشد. من دلم ناگهان ریخت. گفتم حالا این بنی‌صدر و اینها نشسته‌اند، این جوان چه می‌خواهد بگوید؟ تا آمد پای تابلو، آنتن را گرفت و شروع کرد، وضعیت دشمن را منطقه به منطقه تشریح کرد که دشمن اینجا چند تانک دارد، اینجا چه تیپ و لشکری مستقر است، آنجا خاکریز زدند، اینجا میدان مین و آنجا سیم خاردار ایجاد کرده‌اند. هر چه می‌گذشت، قلبم روشن‌تر و چهره‌ام بازتر می‌شد، مثل یک روحانی که مثلاً وقتی پسرش می‌خواهد منبر برود و نگران است که آیا می‌تواند از عهده این منبر برآید یا نه. من چنین حالی داشتم، اما هر چه بیشتر صحبت می‌کرد، من قیافه‌ام بازتر می‌شد. او در آن جلسه چنان گزارش دقیق، مصور و خوبی ارائه داد که همه حضار حتی خود بنی‌صدر به شگفت درآمد که این جوان این اطلاعات جالب را از کجا آورده است.»

حسن باقری، برخلاف بسیاری از مبارزان که دارای نام‌های مشهوری نیز بودند، تفنگ به دست نگرفت و به مقابله با تانک‌های دشمن نشتافت. او راهی دیگر برگزید و این مسیر متفاوت و استثنایی، آغاز راهی بود که درباره آن بسیار گفته شده است. بهترین کار را در شناسایی دشمن دانست و در این راه، تجربیات کوتاه‌مدت در واحد اطلاعات سپاه پاسداران، روزنامه‌نگاری و... به کمکش آمدند. گویی دست تقدیر، غلامحسین افشردی را به راه‌هایی کشانده بود که در جنگ، «حسن باقری» را بسازد!

■ صاحب‌نظر در مسائل نظامی

شهیدباقری در طرح‌دهی نظامی و طراحی عملیات بسیار نیرومند بود. وقتی در جلسات ارتش و سپاه صحبت می‌کرد، همه را به تعجب وا می‌داشت. همرزمانش او را به‌عنوان فردی صاحب‌نظر در مسائل نظامی می‌شناختند. قدرت تفکر، طراحی و ارائه شیوه‌های نو در نبرد در کنار قدرت تجزیه و تحلیل قوای خودی و دشمن از مشخصه‌های شهید باقری بود.

او اهمیت زیادی برای اطلاعات عملیات قائل بود و عقیده داشت که مهم‌ترین بخش موفقیت ما مربوط به اطلاعات صحیح از دشمن است. او را باید مؤسس اطلاعات عملیات در سپاه دانست. شهید باقری سعی می‌کرد اطلاعات لازم را از پشت جبهه دشمن و از توان آنها کسب کند و روی آن خیلی حساب می‌کرد و با توجه به همین آگاهی‌ها بود که نیروها به اطلاعات جالبی از تمامی سازمان‌های رزمی عراق دست می‌یافتند.

پس از آنکه شهیدباقری توانست واحد اطلاعات عملیات را شکل دهد، به دلیل لیاقت و استعداد ذاتی‌اش توانست در بسیاری از زمینه‌ها رشد کند و مسئولیت‌های بزرگی از جمله فرماندهی نیروهای عمل‌کننده در عملیات‌های متعددی را تقبل نمایند. وی در اوایل جنگ نیز کاملاً آمادگی عملیات‌های متعدد کوچک و محدود نظامی را داشت، به همین دلیل در دی ماه ۵۹ به عنوان یکی از معاونین ستاد عملیات جنوب انتخاب شد و در فرماندهی عملیات «شکست محاصره سوسنگرد»، «امام مهدی»، «فرمانده کل قوا»، نقش بسزایی داشت.

■ فرمانده خستگی‌ناپذیر

سردار امین شریعتی درباره نقش شهید باقری در پیشبرد عملیات‌ها می‌گوید: «عملیات ثامن‌الائمه(ع) که تمام شد، حسن به ما می‌گفت که به شناسایی بروید و طرح عملیات آماده کنید. ما با این مسائل آشنایی نداشتیم و او به ما یاد می‌داد که چگونه کار کنیم و مرتب بر کار ما نظارت می‌کرد و می‌خواست که مجدد به شناسایی برویم و کالک تهیه کنیم. به این ترتیب با شناسایی و طرح عملیات‌نویسی آشنا شدیم. هیچ‌کس به اندازه حسن باقری نسبت به این مسائل سماجت و پافشاری نداشت و این سماجت‌ها موجب رشد بچه‌ها شد.»

حسن باقری در عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌سازی چون فتح‌المبین و بیت‌المقدس نیز نقش مهمی ایفا کرد. او در جریان این عملیات‌ها به عنوان فرمانده قرارگاه نصر منصوب شد و در جریان طرح‌ریزی برای عملیات بیت‌المقدس بارها با نیروهای اطلاعات، عملیات و گروه‌های شناسایی تیپ‌ها و لشکرها جلسه می‌گذاشت. در جزئیات برنامه حمله، نظریات مفید و مؤثری مطرح می‌شد. حاج قاسم سلیمانی، شهید باقری را کلید فتح خرمشهر می‌دانست و بر نقش شهید در این عملیات تأکید می‌کرد.

شهید باقری کاشف فرماندهان بزرگ دفاع‌مقدس بود. شناخت درست آدم‌ها هنر بزرگ این فرمانده نخبه بود. شهید باقری در برخورد اول، طرف مقابلش را می‌شناخت و می‌فهمید که روحیات، رفتار و اخلاق او چگونه است. او می‌دانست که این فرد برای اطلاعات یا فرماندهی یا عملیات یا تدارکات یا ستاد خوب است و او را در آنجا قرار می‌داد. ضمن اینکه چهره‌ها و افراد را به خوبی به یاد می‌سپرد. صداها را هم خوب تشخیص می‌داد. یک نفر وقتی در بی‌سیم اولین کلمه را می‌گفت، می‌فهمید که او کیست. شهیدباقری حتی صدای برخی فرماندهان عراقی را هم می‌شناخت. او رزومه‌ای از فرماندهان عراقی داشت و آنان را به خوبی می‌شناخت.

> شهیدباقری در طرح‌دهی نظامی و طراحی عملیات بسیار نیرومند بود. وقتی در جلسات ارتش و سپاه صحبت می‌کرد، همه را به تعجب وا می‌داشت. همرزمانش او را به‌عنوان فردی صاحب‌نظر در مسائل نظامی می‌شناختند. قدرت تفکر، طراحی و ارائه شیوه‌های نو در نبرد در کنار قدرت تجزیه و تحلیل قوای خودی و دشمن از مشخصه‌های شهید باقری بود.

■ بهشتی جنگ

براساس یادداشت‌های روزانه آن فرمانده جوان، وی در هر ۲۴ ساعت ۱۸ ساعت فعالیت می‌کرد و طی اجرای عملیات‌ها شب‌ها بیدار می‌ماند تا عملیات‌ها را به‌خوبی هدایت و فرماندهی کند. امام خمینی(ره) پس از شهادت حسن باقری روی عکس وی نوشتند: «خداوند شهید شب‌زنده‌دار ما را با شهدای صدر اسلام محشور فرماید؛ اگرچه نمی‌توان با اندک اطلاعات روی کاغذ، معرف شخصیت حسن باقری به‌عنوان یک نخبه، میراث معنوی و سرمایه ملی بود.»

شهید باقری ۲۶ سال و ۱۰ ماه زندگی کرد و در طول دوران حضورش در جبهه عناوینی چون نابغه، درشت مغز، بسیار باهوش، استراتژیست، طراح، پدر جنگ در سپاه و... را گرفت. این فرمانده دلیر در ۹ بهمن ۱۳۶۱ هنگامی که دوستانش برای دیدار امام به تهران آمده بودند، به همراه چند تن دیگر در حین شناسایی محور عملیاتی والفجر در فکه و چزابه به شهادت رسیدند.

شهید حاج ابراهیم همت در رابطه با شخصیت شهیدباقری چنین می‌گوید: «خدا شاهد است که در میان فرماندهان ما، تعقل و اندیشه ایشان بی‌نظیر بود. طرح مانوری که شرح می‌داد، در اولین شرح، انسان می‌پذیرفت و مطلب برایش جا می‌افتاد. غیر از این مسئله اندیشه‌اش، در جنگ صلابت و استقامت خاصی داشت. یکی از ویژگی‌های خاص او این بود که صبح عملیات، زیر آتش سنگین می‌آمد در خط و سرکشی می‌کرد و محکم برخورد می‌کرد. اگر واحدی سستی می‌کرد، بازخواست می‌کرد. خدا شاهد است که در کمتر فرماندهی این صفات را دیده بودم؛ اینقدر مهربان و این‌قدر عالی باشد. بعد از حسن باقری، دیگر کسی پیدا نشد.»

اما زیباترین تعبیرها را شهید قاسم سلیمانی از شهیدباقری دارد. حاج‌قاسم درباره فرمانده‌اش در دوران دفاع‌مقدس چنین گفته است: «حسن واقعاً یک رهبر بود. تعبیرم این است که او بهشتی جنگ بود؛ یعنی همان نقشی که مرحوم بهشتی برای انقلاب و امام داشت، حسن باقری همان نقش را برای جنگ و جبهه داشت. قطعاً همه فرماندهان قدیمی جنگ نظرشان این است که اگر حسن زنده می‌ماند، در وضعیت جنگ قطعاً تأثیر داشت. او پرورش‌دهنده همه ما بود. در طول جنگ، هیچ روزی برای بچه‌های جبهه و کسانی که حسن باقری را می‌شناختند به اندازه شهادت او سنگین نبود. بعد از شهادت حسن، عملیات رمضان، والفجر مقدماتی و مسائل دیگر را فراموش کردیم. غم حسن آنقدر سنگین بود که اینها در مقابلش چیزی نبود. شهادت حسن باقری برای جنگ ضایعه‌ای بود و این خلأ تا عملیات رمضان در تابستان سال ۶۱ یک نقطه عطف در تاریخ جنگ بود. ایران تصور می‌کرد، می‌تواند یک پیروزی آسان به دست بیاورد. خصوصاً که گفته می‌شد ارتش عراق حدود دو سوم قوایش را در جریان دو عملیات فتح‌المبین و الی‌بیت‌المقدس از دست داده است، اما عدم‌الفتح رمضان نشان داد که کار به این راحتی‌ها نیست. خصوصاً که قبل از شروع رمضان، جامعه جهانی با سردمداری امریکا هیاهوی زیادی برای عدم ورود ایران به خاک عراق نشان داد و کمک‌های تسلیحاتی به عراق نیز شدت گرفت.

در این شرایط بود که برای ایجاد نشدن رکود در جبهه‌ها، ایران به عملیات متوسط و محدود روی آورد. اما اینها چاره کار نبود. شعار تعقیب و تنبیه متجاوز به یک عملیات بزرگ دیگر نیاز داشت. پس از دو عملیات محرم و مسلم بن‌عقیل، فرماندهان تصمیم گرفتند مجدداً یک عملیات بزرگ انجام دهند و مانند عملیات رمضان، با گرفتن یک نقطه استراتژیک در خاک دشمن، او را وادار به پذیرش شرایط ایران کنند.

اینجا بود که همان سردرگمی مورد اشاره در خاطرات سردار باقری رخ داد. وی در ادامه خاطراتش می‌آورد: «روزها مشغول شناسایی بودیم. نهم بهمن سال ۶۱ پس از اینکه در منطقه شرهانی به اجرای عملیات شناسایی پرداختیم به منطقه عمومی فکه آمدیم. روی یکی از ارتفاعات این منطقه، می‌شد مناطق مقابل در خاک عراق را دید. پس از بررسی میدانی با دو جیپی که به منطقه آمده بودیم، وارد دیدگاه خمپاره‌چی‌های نیروی زمینی ارتش در آن منطقه شدیم. عکس‌ها را در سنگر دیدگاه مورد بررسی قرار دادیم، اما همچنان درباره وضعیت و چگونگی ارتفاعات اختلاف‌نظرها وجود داشت.»

یک سر این اختلاف‌نظرها بین ارتش و سپاه نیز بود. پس از اینکه نهم بهمن ماه حسن باقری و مجید بقایی در عملیات شناسایی به شهادت رسیدند، نهایتاً با کمک همین شناسایی‌ها، بحث‌ها و جمع‌بندی‌هایی که صورت گرفت، قرار شد عملیات والفجر مقدماتی به تاریخ ۱۷ بهمن ماه در جنوب فکه انجام گیرد. این عملیات به خاطر لو رفتن آن توسط ستون پنجم و همینطور موانع عظیم دشمن با عدم‌الفتح روبه‌رو شد.

پس از والفجر مقدماتی، اختلاف‌نظری که بین سپاه و ارتش درخصوص منطقه عملیاتی وجود داشت، بیشتر خودش را نشان داد. ارتش معتقد بود که می‌توان عملیات دیگری را از شمال فکه و محورهای دیگر مجدداً انجام داد. نهایتاً در بهار سال ۶۲ والفجر ۱ در شمال فکه انجام گرفت. در این عملیات طبق نظر شهیدصیادشیرازی قرار شده بود آتش به جای خون کارگشای خطوط مستحکم دشمن باشد؛ یعنی با آتش توپخانه خودی، خطوط دشمن درهم کوبیده شود و سپس نیروهای خط‌شکن وارد عمل شوند، اما والفجر ۱ هم سرنوشتی چون والفجر مقدماتی یافت.

به هر حال در بازخوانی خاطرات فرماندهان جنگ، گاه به نکات جالب توجهی برمی‌خوریم که می‌تواند نمای بهتری از تاریخ دفاع‌مقدس پیش روی‌مان بگذارد. جنگی که هشت سال به ملت ایران تحمیل شد، فراز و فرودهایی داشت که تلخی و شیرینی‌های بسیاری در خود جای داده بود، اما آنچه باعث سربلندی ملت ایران در دفاع مقدس شد، ایستادگی و جانفشانی مردم و رزمندگانی بود که نه‌تنها با عراق بعثی، بلکه با انبوهی از کشورهای مدافع بعثی‌ها جنگیدند و یک وجب از خاک وطن را به دشمن ندادند.

> ارتش معتقد بود که می‌توان عملیات دیگری را از شمال فکه و محورهای دیگر مجدداً انجام داد. نهایتاً در بهار سال ۶۲ والفجر ۱ در شمال فکه انجام گرفت. در این عملیات طبق نظر شهیدصیادشیرازی قرار شده بود آتش به جای خون کارگشای خطوط مستحکم دشمن باشد

نگاه

شهید باقری نفر وسط، سمت راست ایشان شهید چراغچی

نگاهی به شرایط جبهه‌ها در زمستان سال ۶۱ با بازخوانی خاطرات سردار باقری

نمی‌دانستیم کجا عملیات انجام دهیم

■ علیرضا محمدی

خاطرات سرلشکر محمدباقری در خصوص نحوه شهادت برادرش حسن باقری حاوی نکات خاصی است که ما را بر آن می‌دارد، نگاهی به شرایط زمستان سال ۱۳۶۱ بیندازیم. سردار باقری در بخشی از خاطراتش می‌آورد: «آماده انجام یک عملیات بزرگ بودیم. فرماندهان برای دیدار با حضرت امام(ره) راهی تهران شدند، اما شهیدباقری و تعدادی از دوستان به این دیدار نرفتند. حرف شهید باقری این بود که به امام چه بگوییم؟! بگوییم نیروهای بسیجی را چند ماه آموزش داده‌ایم، اما نمی‌دانیم می‌خواهیم کجا عملیات انجام دهیم.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۱۳

از راست به چپ

■ ۱- مخترع تلسکوپ- کشوری است در امریکای جنوبی با مرکزیت آسونسیون ■ ۲- برادر افراسیاب- خجسته و خوش‌یمن ■ ۳- مادر لر- هر یک از خشکی‌های پنجگانه عالم- دردمندی- اثر پا ■ ۴- سفره خانه دربار- راحتی- حشره جهنده ■ ۵- پایتخت اردن- پذیرفته شده- جانشین حضرت موسی ■ ۶- سروش معروف است- صلیب- بیماری سر و صدا ■ ۷- گلوله- تکاور- جدید انگلیسی ■ ۸- کشیش- پرنده‌ای شبیه کبک- کشور نیشکر- درخت انگور ■ ۹- مایوس- آنکس که- از اختراعات ادیسون ■ ۱۰- جزیره نفت و گاز جنوب- پایتخت بولیوی- درد و سختی ■ ۱۱- خدای یهود- نوعی ساندویچ- گریه ■ ۱۲- پسوند شباهت- ادب کردن- ژست ■ ۱۳- صدمتر مربع- نام گلی است- کجای آذری- مغرور ■ ۱۴- قاره سیاهان- پلیس تلویزیونی فرانسه ■ ۱۵- از مهمترین و باشکوه‌ترین سازه‌های بر جای مانده از تمدن مصر باستان- خصومت و منازعه

از بالا به پایین

■ ۱- گردش هر سال زمین به دور خورشید- صدویازده ■ ۲- اشاره- نوعی بیماری که بیشتر کودکان به آن مبتلا می‌شوند ■ ۳- درد و رنج- ضروری- پایتخت فیجی- تکرار حرفی ■ ۴- بیماری زردی- رفوزه- همراه ناله- همسر حضرت یعقوب ■ ۵- زبان- در زمان جنگ فرمانده جنگ‌های نامنظم بود- قامت شکسته ■ ۶- همراه ویر- از ابزار تدخین- اراشید ■ ۷- مذهب حاکم بر عربستان- خالق رمان معروف سپید دندان ■ ۸- خودنمایی- نوعی بنزین- راهنما- جنس قوی ■ ۹- شلیل- گران ■ ۱۰- آرزوی دربند- از ماه‌های میلادی- صدا و آواز ■ ۱۱- شهری در شرق گیلان- خدمت وظیفه می‌کند- گشاد و وسیع ■ ۱۲- قدم- مساوی- مخفف هستم- رفتن به مشاهد متبرکه ■ ۱۳- او- بالش مبل- پایتخت چک- رها ■ ۱۴- شهری در انگلیس- امپراتور نیمه دیوانه روم ■ ۱۵- جگرخوار بنی‌امیه- از بازی‌های گروهی کودکانه

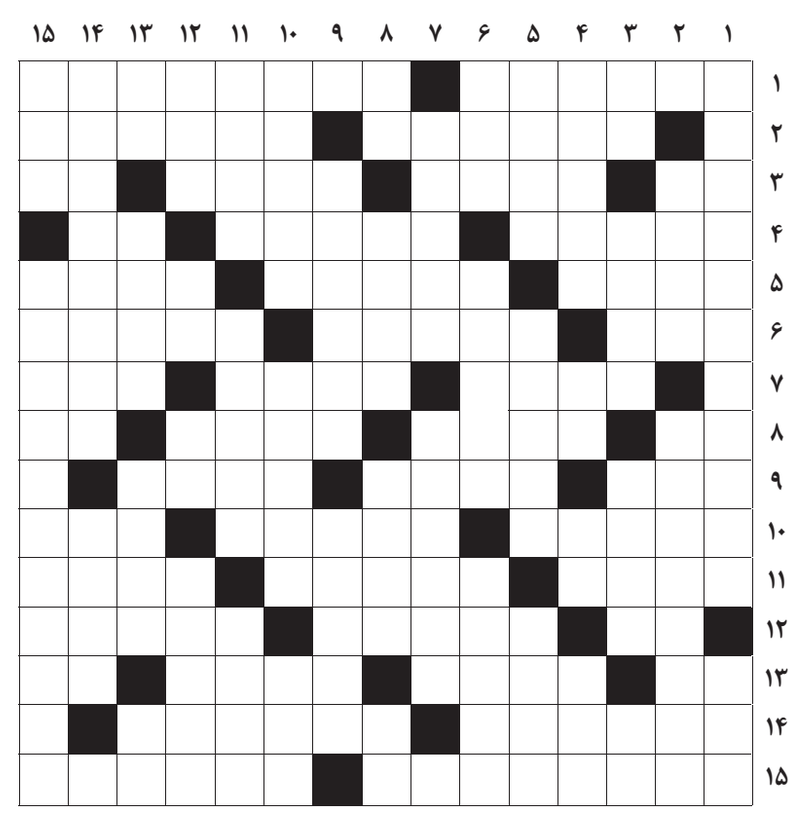

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۱		۶		۵		
				۳	۲	۸		
۲		۵						
	۷			۱	۹		۶	
	۶				۸		۷	
	۲				۷		۹	
			۱			۷		۲
۳	۸							
			۷					۴

جدول کلمات متقاطع
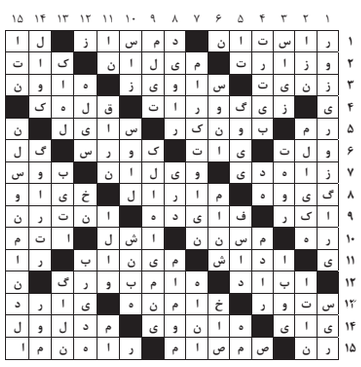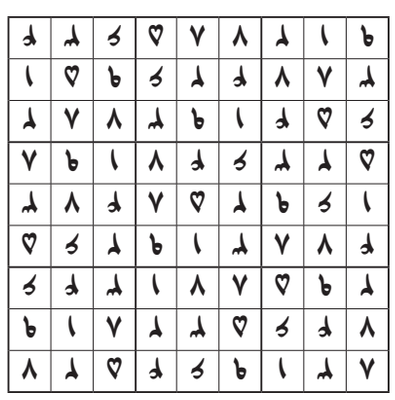
پاسخ جدول شماره ۶۴۱۲